



بسم الله الرحمن الرحيم إنه خير ناصر ومعين الحمد لله رب العالمين وصلي الله علي محمد وعلي وآلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله علي أعدائهم أجمعين أبد الآبدين



اللَّهُمَّ أَفْضُ صَلَٰةٍ صَلَوَاتِكَ، وَسَلَامَةٍ تَسْلِيمَاتِكَ، عَلَي الْجُوهَرَةِ الْقُدْسِيَّةِ، فِي تَعَيُّنِ الْأَنْسِيَّةِ، صُورَةِ النَّفْسِ الْكَلْبِيَّةِ، جَوَادِ الْعَوَالِمِ
الْعُقْلِيَّةِ، بَضْعَةِ الْحَقِيقَةِ النَّبَوِيَّةِ، مَطْلَعِ الْأَنْوَارِ الْعُلَوِيَّةِ، عَيْنِ عُيُونِ الْأَسْرَارِ الْفَاطِمِيَّةِ، النَّاجِيَةِ الْمُنْجِيَةِ لِمُحِبِّهَا مِنَ النَّارِ، ثَمَرَةِ شَجَرَةِ
الْبَقِيَّةِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، الْمَعْرُوفَةِ بِالْقَدْرِ، الْمَجْهُولَةِ بِالْقَبْرِ، قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، الزَّهْرَاءِ الْبَثُولِ، الطَّاهِرَةِ الصَّدِيقَةِ الْمُعَصُومَةِ
الْمَظْلُومَةِ الْمُقَهَّورَةِ، الْمَغْصُوبَةِ حَقِّهَا، الْمَمْنُوعَةِ ارْتِثَافِهَا، الْمَكْسُورِ ضَلْعِهَا، الْمَظْلُومِ بَعْلِهَا، الْمَقْتُولِ وَلَدِهَا وَجَنِينِهَا "صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ"

اللَّهُمَّ الْعِزَّ مَنْ آذَاهَا وَظَلَمَهَا وَغَضَبَ حَقِّهَا وَأَحْرَقَ بَيْتَهَا وَكَسَرَ ضَلْعَهَا وَمَرَقَلَهَا وَقَتَلَ مَرْضِعَهَا مُحَمَّدٌ سَنَ وَجَنِينِهَا مُحَمَّدٌ سَنَ
اللَّهُمَّ الْعِزَّ الْجَبَّتِ وَالطَّاغُوتِ وَصَنَمِي قَرَشِ اللَّاتِ وَالْعِزِّي وَمَنْ عَاوَنَهُمَا وَمَنْ تَابَعَهُمَا لَعْنَا وَبِيلَا

پنج شنبه ۳ جمادی الاخری ۱۴۳۰ سالروز شهادت حضرت صدیقہ کبری را

به حضرت قدسیہ وجہ اللہ و قبلہ حقیقیہ عباد اللہ مولانا صاحب الامر ارواحنا فداء تسلیت عرض می کنیم

السَّيِّدُ الْأَعْلَى عَلَيْنَا يَا أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ

* * *

از هجوم عام بر ناموس خاص لايزال = عقل حيران سر گردان زبان لالست لال
شد بپا شور و نوا تا از دل بانوي شاه = رفت از كف صبر و طاقت فوت از زانوي شاه
حسته شد پهلوي خاتون رفت از او تاب و توان = آنچنان كر پيچ و تابش بسته شد بازوي شاه
تا حقيقت را بنا حق دست و گردن بسته شد = دست بيدار دعيت باز شد بر روي شاه
روي بانوي دو گيتي شد ز سيلی نيلگون = سيل غم يکباره از هر سو روان شد سوي شاه
سامري گوساله اي را كرد مير کاروان = تا قيامت خلق را گمراه کرد از کوي شاه
هر که با آواز: گوساله آمد آشنا = تا ابد بيگانه ماند از صحبت دلجوی شاه
نغمه ((اني انا الله)) نشنود گوساله خواه = غره دينا نه بيند غره نيكوي شاه
خاتم دين را بجادو برد دست اهرمن = شرمي از يزدان نکرد و بيمی از نیروی شاه
گرچه دست بندگی داد از نحست اندر غدیر = ليک آن بد عاقبت لب تر نکرد از جوی شاه
خضر مي بايد که تا نوشد ز آب زندگي = نيست آب زندگي شايان هر خوک و سگي

آيت الله عظيم شيخ محمد حسين اصفهاني

منتھي الامال: بدان که در روز وفات آن حضرت اختلاف بسیار است و اظهر نزد احقر آن است که وفات آن حضرت در سوم جمادی الآخره واقع شده چنانکه مختار جمعی از بزرگان علماء است و از برای من شواهدی است بر این مطلب که جای ذکرش نیست . پس بقای آن حضرت بعد از پدر بزرگوار خود، نود و پنج روز بوده . و اگرچه در روایت معتبر وارد شده است که مدت مکث آن مخدّره بعد از پدر خود در دنیا هفتاد و پنج روز بوده لکن توان وجهی برای آن ذکر کرد به بیانی که مقام ذکرش در اینجا نیست و لکن خوب است عمل شود به هر دو طریق در اقامه مصیبت و عزای آن حضرت چنانکه فعلاً معمول است.

دقت و صحت این تاریخ: اما تاریخ سوّم جمادی الآخری از جهات بسیاری بر تواریخ دیگر ترجیح دارد؛ و اضافه بر التزام بزرگان مذهب حق به این تاریخ؛ و مطابق بودن باروایت ۹۵ روز (بعد از ۲۸ صفر) و نیز روایت ۹۰ روز (بعد از دوم ربیع الأول) رحلت پیغمبر ۹ ، همچنین نص صریحی از کلام خازنان وحی (علیهم السلام) وارد شده است که رحلت و شهادت حضرت صدیقه علیها السلام در: سه روز گذشته از ماه جمادی الآخری (لثلاث خلون من شهر جمادی الآخره) اتفاق افتاده است؛ که این تفصیل صریح جای هیچگونه ابهام یا اشتباه و تصحیف در نقلی را باقی نمی گذارد.

حضرت فاطمه علیها السلام ۷۵ یا ۹۵ روز بعد از حضرت رسالت (صلي الله عليه و آله) زنده بودند، و از آنجا که ماه صفر آن سال ۲۹ روز و ربیع الأول ۳۰ روز و ربیع الآخر ۲۹ روز بوده است و تاریخ صحیح شهادت حضرت رسول الله صلي الله عليه و آله ۲ ربیع الأول بوده و از آنجا که نقل ۷۵ روز (خمس و سبعین) تصحیف (و اشتباه نویسی) ۹۵ روز (خمس و تسعین) است، لذا تاریخ صحیح قطعی سوّم جمادی الآخری بوده که در کلام خازنان وحی علیهم السلام به آن تصریح شده است و این تاریخ با ملاحظه تاریخ رایج میان عامه (۲۸ ماه صفر) در باره شهادت حضرت رسول الله صلي الله عليه و آله) ، ۹۵ روز فاصله دارد که با عمده روایات دیگر موافقت دارد.

از جمله منابعی که این تاریخ را نقل کرده اند: به روایت طبري از حضرت امام صادق (صلوات الله عليه) در دلائل الإمامه ص ۱۰ و ۴۵ و روایت طبري از حضرت امام صادق (صلوات الله عليه) (۹۵ روز) و به قول شیخین و شیخ مفید در کتاب مسار الشیعه طبع جدید، ص ۵۴ و طبع قدیم (مجموعه نفیسه ص ۶۷) و سید بن طاووس در اقبال الاعمال ج ۲ ص ۱۶۱ و در کتاب التعریف للمولد الشریف و علامه طبرسي در تاج الموالید (مجموعه نفیسه ص ۹۸) و شیخ کفعمی در مصباح ص ۶۷۷ و شیخ بهاء الدین عاملی در کتاب توضیح المقاصد (مجموعه نفیسه ص ۵۲۵) و به نقل علامه مجلسی در زاد المعاد ص ۴۵۶ و در میالید الاثمه و بحار الأنوار- ج ۴ ص ۱۶ و محدث قمی در وقایع الایام ص ۲۵۸ و مفاتیح الجنان ص ۵۲۹ و تقویم دینی اهل بیت علیهم السلام، باب جمادی الآخری.

به هرحال؛ بعد از پدر بزرگوار خود در دنیا چندان مکث نکرد و پیوسته نالان و گریان بود، در آن مدت قلیل آن قدر اذیت و درد کشید که خدای داند و اگر کسی تأمل کند در آن **کلماتی که امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از دفن فاطمه علیها السلام با قبر پیغمبر صلي الله عليه و آله و سلم خطاب کرد** می داند که چه مقدار بوده صدمات آن مظلومه. و از آن کلمات است:

سَتَبِّكَ ابْنُكَ بِتَظَاوُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا فَاحْفَظْهَا السُّؤَالَ وَاسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلَجٍ بِصَدْرِهِ لَمْ تَجِدْ إِلَيَّ سَبِيلًا وَ سَتَقُولُ وَيَحْكُمُ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

حاصل عبارت آنکه امیرالمؤمنین علیه السلام با رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم می گوید: و به زودی خبر خواهد داد ترا دختر تو به معاونت و یاری کردن امت تو یکدیگر را بر غصب حق من و ظلم کردن در حق او، پس از او پیرس احوال را چه بسیار غمها و دردهای سوزنده که در سینه فاطمه علیها السلام بر روی هم نشسته بود که به کسی اظهار نمی توانست کرد و به زودی همه را به شما عرض خواهد کرد و خدا از برای او حکم خواهد کرد و او بهترین حکم کنندگان است.

ابن بابویه به سند معتبر روایت کرده است که "بِكَائُونٍ" یعنی بسیار گریه کنندگان پنج نفر بودند: آدم و یعقوب و یوسف و حضرت فاطمه بنت محمد صلي الله عليه و آله و سلم و مولا علي بن الحسين صلوات الله عليهم أجمعين . اما آدم پس در مفارقت بهشت آن قدر گریست که به روی و خد او اثر گریه مانند دو نهر مانده بود؛ و اما یعقوب پس بر مفارقت یوسف آن قدر گریست که نابینا شد تا آنکه گفتند به او: به خدا سوگند که پیوسته یاد می کنی یوسف را تا آنکه خود را مریض و بدنت را از غصه گداخته کنی یا هلاک شوی؛ اما یوسف پس آن قدر در مفارقت یعقوب گریست تا آنکه اهل زندانی که یوسف در آنجا محبوس بود از گریه او متأذی شدند و گفتند به او که یا در شب گریه کن و روز ساکت باش تا ما آرام بگیریم یا در روز گریه کن و در شب ساکت باش، پس با ایشان صلح کرد که در یکی از آن دو وقت گریه کند و در دیگری ساکت باشد؛ و اما فاطمه علیها السلام پس آنقدر گریست بر وفات رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم که اهل مدینه از گریه او متأذی شدند و گفتند به او که ما را آزار کردی از بسیاری گریه خود، پس آن حضرت می رفت به مقبره شهدای احد و آنچه می خواست می گریست و به سوی مدینه برمی گشت؛ و اما علي بن الحسين علیهم السلام پس بر مصیبت پدر خود بیست سال گریست و به روایتی چهل سال و هرگز طعام نزد او نگذاشتند که گریه نکند و هرگز آبی نیاشامید که نگیرد تا آنکه یکی از آزاد کرده های آن حضرت گفت: فدای تو شوم یابن رسول الله! می ترسم که خود را از گریه هلاک کنی، حضرت فرمود که: "شکایت می کنم مصیبت و اندوه خود را به سوی خدا و می دانم از خدا آنچه شما نمی دانید" همانا من هرگز به یاد نمی آورم شهادت فرزندان فاطمه را مگر آنکه گریه در گلو می گیرم.

شیخ طوسی به سند معتبر از ابن عباس روایت کرده است که چون هنگام وفات حضرت رسول صلي الله عليه و آله و سلم شد آن قدر گریست که آب دیده اش بر محاسن مبارکش جاری شد گفتند: یا رسول الله! سبب گریه شما چیست؟ فرمود: گریه می کنم برای فرزندان خود و آنچه نسبت به ایشان خواهند کرد بدان امت من بعد از من، گویا می بینم فاطمه

دختر خود را بر او ستم کرده باشند بعد از من و او ندا کند که یا آبتاه، و آحدی از امت من او را اعانت نکند؛ چون فاطمه علیها السلام این سخن را شنید گریست، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که: گریه مکن ای دختر من، فاطمه علیها السلام گفت: گریه نمی کنم برای آنچه بعد از تو یا من خواهند کرد و لیکن می گریم از مفارقت تو یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. حضرت فرمود که بشارت باد ترا ای دختر من که زود به من ملحق خواهی شد و تو اول کسی خواهی بود که از اهل بیت من به من ملحق می شود.

شدت ۴۰ روزه بیماری حضرت زهرا: هر چند با وفات حضرت رسول حضرت زهرا بیمار شدند و در واقعه حمله به خانه وحی آسیبهای فراوان دیدند، ولی همین عوارض و جسمی و بیماری بدنی ۴۰ روز قبل از شهادت شدت بیشتری پیدا کرد، در کتاب "روضة الواعظین" و غیره روایت کرده اند که حضرت فاطمه علیها السلام را مرض شدیدی عارض شد و تا چهل روز ممتد شد

چون دانست موت خود را اُمّ ایمن و اسماء بنت عُمیس را طلبید و فرستاد ایشان را که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را حاضر سازند، چون حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شد گفت: ای پسر عم! از آسمان خبر فوت من به من رسید و من در جناح سفر آخرتم ترا وصیت می کنم به چیزی چند که در خاطر دارم. حضرت فرمود: آنچه خواهی وصیت کن ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس بر بالین آن حضرت نشست و هرکه را در آن خانه بود بیرون کردند. پس فرمود که ای پسر عم! هرگز مرا دروغگو و خائن نیافتی و از روزی که با من معاشرت نموده ای مخالفت تو نکرده ام. حضرت فرمود که معاذ الله تو داناتری به خدا و نیکوکارتر و پرهیزگارتر و کریم تر و از خدا ترسانتری از آنکه ترا سرزنش کنم به مخالفت خود و بر من بسیار گران است مفارقت تو و لیکن مرگ امری است که چاره از آن نیست، به خدا سوگند که تازه کردی بر من مصیبت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را و عظیم شد وفات تو بر من، پس می گویم: اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

برای مصیبتی که بسیار دردآورنده است مرا و چه بسیار مرا و چه بسیار سوزنده و به حزن آورنده است مرا، به خدا سوگند که این مصیبتی است که تسلی دهنده ندارد و رزیه ای است که هیچ چیز عوض آن نمی تواند شد؛ پس ساعتی هر دو گریستند، پس امیرالمؤمنین علیه السلام سر حضرت فاطمه علیه السلام را ساعتی به دامن گرفت و آن حضرت را به سینه خود چسبانید فرمود که هرچه می خواهی وصیت بکن که آنچه فرمائی به عمل می آورم و امر ترا بر امر خود اختیار می کنم؛ پس فاطمه علیها السلام گفت که خدا ترا جزای خیر دهد ای پسر عم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، وصیت می کنم ترا اول که بعد از من امامه را به عقد خود درآوری؛ زیرا که مردان را چاره از زن گرفتن نیست او برای فرزندان من مثل من است. پس گفت که برای من نعشی (تابوتی) قرار ده زیرا که ملائکه را دیدم که صورت نعش برای من ساختند. حضرت فرمود که وصف آن را برای من بیان کن؛ پس وصف آن را بیان کرد و حضرت از برای او درست کرد و اول نعشی که در زمین ساختند آن بود. پس گفت که باز وصیت می کنم ترا که نگذاری بر جنازه من حاضر شوند یکی از آنهایی که بر من ستم کردند و حق مرا گرفتند؛ چه ایشان دشمن من و دشمن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اند و نگذاری که احدی از ایشان و اتباع ایشان بر من نماز کنند و مرا در شب دفن کنی در وقتی که دیده ها در خواب باشد.

در "کشف الغمّه" و غیر آن روایت کرده اند که چون وفات حضرت فاطمه علیها السلام نزدیک شد اسماء بنت عُمیس را فرمود که آبی بیاور که من وضو بسازم، پس وضو ساخت و به روایتی غسل کرد نیکوترین غسلها و بوی خوش طلبید و خود را خوشبو گردانید و جامه های نو طلبید و پوشید و فرمود که ای اسماء! جبرئیل در وقت وفات پدرم چهل درهم کافور آورد از بهشت، حضرت آن را سه قسمت کرد یک حصه برای خود گذاشت و یکی از برای من و یکی از برای علی علیه السلام، آن کافور را بیاور که مرا به آن حنوط کنند چون کافور را آورد فرمود که نزدیک سر من بگذار پس پای خود را به قبله کرد و خوابید و جامه بر روی خود کشید و فرمود که ای اسماء! ساعتی صبر کن بعد از آن مرا بخوان اگر جواب نگویم علی علیه السلام را طلب کن، بدان که من به پدر خود ملحق گردیده ام! اسماء ساعتی انتظار کشید بعد از آن، آن حضرت را ندا کرد و صدائی شنید، پس گفت: ای دختر مصطفی! ای دختر بهترین فرزندان آدم! ای دختر بهترین کسی که بر روی زمین راه رفته است! ای دختر آن کسی که در شب معراج به مرتبه "قَاب قَوْسین" او آدنی " رسیده است! چون جواب نشنید جامه را از روی مبارکش برداشت دید که مرغ روحش به ریاض جنات پرواز کرده است پس بر روی آن حضرت افتاد آن حضرت را می بوسید و می گفت: چون به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم برسی سلام اسماء بنت عُمیس را به آن حضرت برسان؛

در این حال حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام از در، در آمدند و گفتند: ای اسماء! مادر ما، در این وقت چرا به خواب رفته است؟ اسماء گفت: مادر شما به خواب نرفته و لیکن به رحمت رب الارباب واصل گردیده است؛ پس حضرت امام حسن علیه السلام خود را بر روی آن حضرت افکند و روی انورش را می بوسید و می گفت: ای مادر! با من سخن بگو پیش از آنکه روحم از بدن مفارقت کند و حضرت امام حسین علیه السلام بر روی پایش افتاد و می بوسید آن را و می گفت: ای مادر! منم فرزند تو حسین، با من سخن بگو پیش از آنکه دلم شکافته شود و از دنیا مفارقت کنم؛



پس اسماء گفت: ای دو جگر گوشه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم! بروید و پدر بزرگوار خود را خبر کنید و خبر وفات مادر خود را به او برسانید؛ پس ایشان بیرون رفتند چون نزدیک به مسجد رسیدند صدا به گریه بلند کردند؛ پس صحابه به استقبال ایشان دویدند گفتند: سبب گریه شما چیست، ای فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم حق تعالی هرگز دیده شما را گریان نگرداند، مگر جای جد خود را خالی دیده اید گریان گردیده اید از شوق ملاقات او؟ گفتند: مادر ما از دنیا مفارقت کرده، چون حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این خبر وحشت اثر را شنید بر روی در افتاد و غش کرد، پس آب بر آن حضرت ریختند تا به حال آمد و می فرمود: بعد از تو خود را به که تسلی بدهم، پس این دو شعر را در مصیبت آن حضرت ادا فرمود:

لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فِرْقَةٌ = وَكُلُّ الَّذِي دُونَ الْفِرَاقِ قَلِيلٌ
وَإِنَّ اقْتِنَادِي وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ = دَكِيلٌ عَلَى أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلٌ

یعنی هر اجتماعي از دو دوست، آخر به جدائي منتهي مي شود و هر مصيبي كه غير از جدائي و مرگ است، اندك است و رفتن فاطمه بعد از حضرت رسالت پيش من دليل است بر آنكه هيچ دوستي باقي نمي ماند.

و موافق روایت "روضة الواعظین" چون خبر وفات حضرت فاطمه علیها السلام در مدینه منتشر گردید و مردان و زنان همه گریان شدند در مصیبت آن حضرت و شیون از خانه های مدینه بلند شد، زنان و مردان به سوی خانه آن حضرت دویدند. زنان بنی هاشم در خانه آن حضرت جمع شدند نزدیک شد که از صدای شیون ایشان، مدینه به لرزه در آید و ایشان می گفتند: ای سیده و ای خاتون زنان! ای دختر پیغمبر آخرالزمان! مردم فوج فوج به تعزیه به سوی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می آمدند، آن حضرت نشسته بود و حسنین در پیش آن حضرت نشسته بودند و می گریستند و مردم از گریه ایشان می گریستند.

ام کلثوم به نزد قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آمد و غلّٰهَا نَشِیْجُهَا و گفت: یا ایتاه، یا رسول الله! امروز مصیبت تو بر ما تازه شد و امروز تو از دنیا رفتی، دختر خود را به سوی خود بردی.

و مردم جمع شده بودند و گریه می کردند و انتظار بیرون آمدن جنازه می کشیدند، پس ابوذر بیرون آمد و گفت: بیرون آوردن جنازه به تأخیر افتاد؛ پس مردم متفرق شدند و برگشتند، چون پاسی از شب گذشت و دیده ها به خواب رفت جنازه را بیرون آوردند حضرت امیرالمؤمنین و حسین و حسین علیهما السلام و عمار و مقداد و عقیل و زبیر و ابوذر و سلمان و بریده و گروهی از بنی هاشم و خواص آن حضرت بر حضرت فاطمه علیها السلام نماز کردند و در همان شب او را دفن کردند. حضرت امیر علیه السلام بر دور قبر آن حضرت هفت قبر دیگر ساخت که ندانند قبر آن حضرت کدام است. و به روایتی دیگر، چهل قبر دیگر را آب پاشید که قبر آن مظلومه در میان آنها مشتبه باشد،

و به روایت دیگر قبر آن حضرت را با زمین هموار کرد که علامت قبر معلوم نباشد. اینها برای آن بود که عین موضع قبر آن حضرت را ندانند و بر قبر او نماز نکنند و خیال نبش قبر آن حضرت را به خاطر نگذارند و به این سبب در موضع قبر آن حضرت اختلاف واقع شده است



بعضی گفته اند که در بقیع است نزدیک قبور ائمه بقیع علیهما السلام و بعضی گفته اند مابین قبر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم و منبر آن حضرت مدفون است؛ زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: **مابین قبر من و منبر من باغی است از باغهای بهشت و منبر من پر دري است از درهای بهشت** و بعضی گفته اند که آن حضرت را در خانه خود دفن کردند و این اصح اقوال است چنانکه روایت صحیحی بر آن دلالت می کند.

ابن شهر آشوب و دیگران روایت کرده اند که چون آن حضرت را خواستند که در قبر گذارند دو دست از میان قبر پیدا شد شبیه به دستهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آن حضرت را گرفت به قبر برد

شیخ طوسی و کلینی به سندهای معتبر از حضرت امام زین العابدین و امام حسین علیهما السلام روایت کرده اند که چون حضرت فاطمه علیها السلام بیمار شد وصیت نمود به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که کتمان کند بیماری او را و مردم را بر احوال او مطلع نگردانند و اعلام نکند آحدي را به مرض او؛ پس حضرت به وصیت او عمل نموده خود متوجه بیمارداري او بود و اسماء بنت عمیس آن حضرت را در این امور معاونت می کرد و در این مدت احوال او را پنهان می داشتند از مردم، چون نزدیک شهادت آن حضرت شد وصیت فرمود که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خود متوجه غسل و تکفین او شود و در شب او را دفن نماید و قبرش را هموار کند؛

پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خود متوجه غسل و تکفین و امور او گردید و او را در شب دفن کرد و اثر قبر او را محو نمود و چون خاک قبر آن حضرت را با دست خود فشاند حزن و اندوه آن حضرت همچان کرد آب دیده های مبارکش بر روی آنورش جاری شد و رو به قبر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم گردانید و گفت:

اَللّٰمُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ سلام از من بر تو باد و از جانب دختر و حبیبه تو و نور دیده تو و زیارت کننده تو که به زیارت تو آمده است و در میان خاک در عرصه تو خوابیده حق تعالی او را در میان اهل بیت اختیار کرد که زود به تو ملحق گردد، و کم شد یا رسول الله از برگزیده تو صبر من و ضعیف شد از مفارقت بهترین زنان قوت من و لیکن با صبر کردن در مصیبت تو و تاب آوردن اندوه مفارقت تو گنجایش دارد که در این مصیبت صبر کنم،

به تحقیق که ترا با دست خود در قبر گذاشتم بعد از آنکه جان مقدس تو در میان سینه و نحر من جاری شد و به دست خود دیده ترا پوشانیدم و امور ترا خود متکفل شدم، بلي در کتاب خدا هست آنکه قبول باید کرد بهترین قبول کردنها و باید گفت: **إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ** امانت خود را به خود برگردانیدی و گروهان خود را از من بازگرفتی و حضرت زهرا را از من ربودی، چه بسیار قبیح است آسمان سبز و زمین گرد آلود در نظر من یا رسول الله. اندوه من همیشه خواهد بود و شبهای من به بیداری خواهد گذشت، این اندوه از من به در نخواهد رفت تا آنکه حق تعالی از برای من اختیار کند آن خانه ای را که اکنون تو در آنجا مقیمی، در دلم جراحی است چرك آورنده و در سینه ام اندوهی است از جا به در آورنده و چه بسیار زود جدائی افتاد میان ما و به سوي خدا شکایت می کنم حال خود را و به زودي خبر خواهد داد ترا دختر تو به معاونت و یاری کردن امت تو یکدیگر را بر غصب حق من و ظلم کردن در حق او، پس از او بپرس احوال را چه بسیار غمها در سینه او بر روی هم نشسته بود که به کسی اظهار نمی توانست کرد و به زودي همه را به تو خواهد گفت و خدا از برای او حکم خواهد کرد و او بهترین حکم کنندگان است.

سلام بر تو باد یا رسول الله سلام وداع کننده ای که از مواصلت ملال به هم نرسانیده باشد و از روی دشمنی مفارقت ننماید، اگر از نزد قبر تو بروم از ملالت نیست و اگر نزد قبر تو اقامت نمایم از بد گمانی من نیست به آن ثوابهایی که خدا وعده داده است صبر کنندگان را و صبر مبارک و نیکوتر است و اگر نبود غلبه آن جماعتی که بر ما مستولی گردیده اند هر آینه اقامت نزد قبر ترا بر خود لازم می دانستم و نزد ضریح تو معتکف می گردیدم و هر آینه فریاد به ناله بر می داشتم مانند فریاد زن فرزندی مرده در این مصیبت بزرگ پس خدای می بیند و می داند که دختر ترا پنهان دفن می کنم از ترس دشمنان او و حقتش را غصب کردند به قهر و میراثش را منع کردند علانیه و حال آنکه از زمان تو مدتی نگذشته بود و نام تو کهنه نشده بود، پس به سوي تو شکایت می کنم یا رسول الله و در اطاعت تو تسلی نیکو هست پس صلوات خدا بر او و بر توباد و رحمت خدا و برکات او.



علامه مجلسی از "مصباح الانوار" نقل کرده و او از حضرت صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خود که چون امیرالمؤمنین علیه السلام حضرت فاطمه علیها السلام را در قبر گذاشت گفت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ
سَلَّمْتُكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ إِلَى مَنْ هُوَ أَوْلَى بِكَ مِنِّي وَ رَضِيتُ لَكَ بِمَا رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى لَكَ؛ پس
تلاوت فرمود: "مَنْ خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهِ نَعِيدُكُمْ وَ مِنْهُ نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى."

پس چون خاک بر او ریخت امر فرمود که آب بر آن ریختند پس نشست نزد قبر آن حضرت با چشم گریان و دل محزون و بریان ، پس عباس عموی آن حضرت دستش را گرفت و از سر قبر او برد.

شیخ شهید رحمه الله در مزار "دروس" فرموده که مستحب است زیارت حضرت فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و زوجه امیرالمؤمنین و مادر حسن و حسین علیهما السلام . و روایت شده که آن مخدّره فرمود خبر داد مرا پدر بزرگوارم که هرکه بر او و بر من سه روز سلام کند حق تعالی بهشت را بر او واجب گرداند. گفتند به حضرت فاطمه علیها السلام که آیا در حیات شما؟ فرمود بلی، و همچنین است بعد از ممات ما. و هرگاه زائر خواست آن حضرت را زیارت کند در سه موضع زیارت کند: در خانه آن حضرت و در روضه و در بقیع . ولادت آن حضرت واقع شد پنج سال بعد از مبعث، و به رحمت خدا واصل شد بعد از پدر بزرگوار خود قریب به صد روز

و بدان که آن حضرت را چهار اولاد بوده امام حسن و امام حسین و زینب کبری و زینب صغری که مکنّات است به امّ کلثوم "سلام الله علیهم اجمعین" و فرزندی را حامله بوده که او را پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم **محسن** نامیده بود و بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن طفل را سقط فرمود

شیخ صدوق فرموده: در معنی حدیث نبوی صلی الله علیه و آله و سلم که به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: **إِنَّ لَكَ كَنْزًا فِي الْجَنَّةِ وَ أَنْتَ دُو قَرْنِيهَا** شنیدم که از بعض مشایخ خود که می فرمود: این گنجی که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده به امیرالمؤمنین علیه السلام که در بهشت دارد، این همان "**محسن**" است که به واسطه فشار دَر خانه سقط شد



آیین هنگام

اعمال شایسته این هنگام:

- ۱- سعی در معرفت بیشتر حضرتش.
- ۲- مطالعه و تلاوت کلام وحی و خازنان وحی، درباره حضرتش.
- ۳- برگزاری مجلس سوگواره و تعزیت و معرفت و مذاکره مصائب آن حضرت و آنچه در کلام شریف درباره شهادت و فضائل و مناقب و آیات الهی حضرتش آمده؛ و برائت از اعداء و غاصبان و ظالمان و قاتلان.
- ۴- زیارت حضرت و والدین و همسر و فرزندان ایشان و عرض تسلیت، از نزدیک (در مدینه منوره و مشهد نبوی و فاطمی) و از دور در امام بارگاه یا بالای بلندی و منزل خود.
- ۵- انجام عبادات از نماز و تلاوت و اذکار؛ و همچنین اطعام عزاداران و زائران و اهداء ثواب به حضرتش.

زیارت مختصر

علامه مجلسی فرموده: سید بن طاوس "علیه الرحمة" روایت کرده است که هر که آن حضرت را زیارت کند به این زیارت که بگوید:

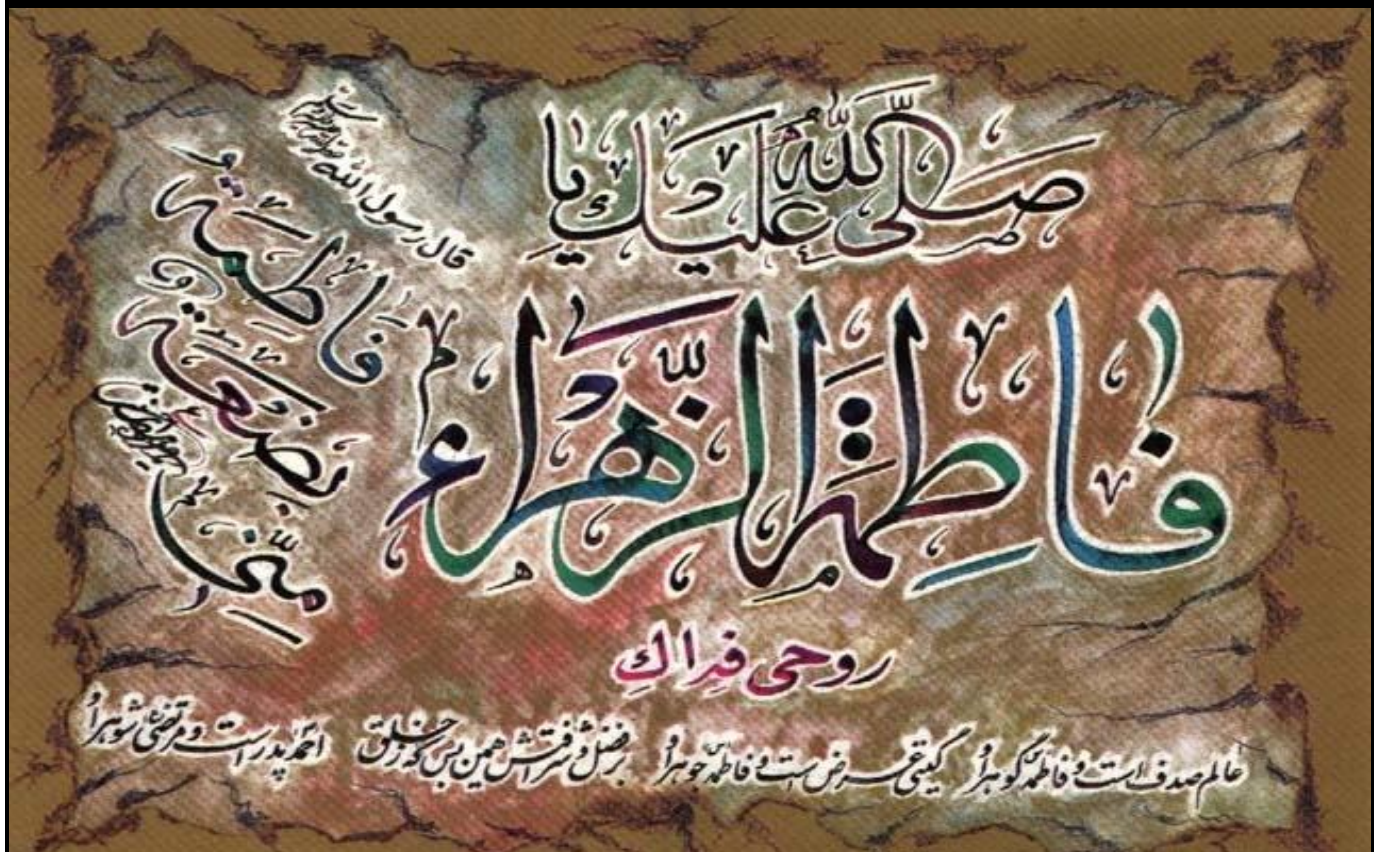
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَالِدَةَ الْحُجُجِ عَلَی النَّاسِ اَجْمَعِیْنَ، اَلسَّلَامُ
عَلَیْكَ اَیُّهَا الْمَظْلُوْمَةُ الْمُمْنُوْعَةُ حَقُّهَا

پس بگوید:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَی اُمِّتِكَ وَابْنَةِ نَبِيِّكَ وَزَوْجَةِ وَصِيِّ نَبِيِّكَ صَلَوةً تَرْفَعُهُ فَوْقَ زَلْفِی عِبَادِكَ الْمُكْرَمِیْنَ
مَنْ اَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَاهْلُ الْاَرْضِیْنَ

پس طلب آمرزش کند از خدا، حقّ تعالی گناهان او را بیامزد و او را داخل بهشت کند. و این زیارت مختصر معتبری است و همه وقت می توان کرد.

روایت شده است که هر که حضرتش را به این نحو زیارت نموده و سپس استغفار کند؛ خداوند او را آمرزیده و داخل بهشت نماید. مؤلف گوید: که ما در کتاب "مفاتیح" و "هدیه الزائرین" ثواب زیارت و اختلاف در قبر آن حضرت و کیفیت زیارت آن مظلومه را ذکر کرده ایم



زيارت مفصل

السلام عليك يا بنت رسول الله، السلام عليك يا بنت نبي الله، السلام عليك يا بنت حبيب الله،
السلام عليك يا بنت خليل الله، السلام عليك يا بنت امين الله، السلام عليك يا بنت خير خلق الله،
السلام عليك يا بنت افضل انبياء الله. السلام عليك يا بنت خير البرية، السلام عليك يا سيدة نساء
العالمين من الاولين والآخرين. السلام عليك يا زوجة ولي الله وخير خلقه بعد رسول الله، السلام عليك
يا ام الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة، السلام عليك يا ام المؤمنين، السلام عليك يا ايتها
الصديقة الشهيدة، السلام عليك ايتها الرضية المرضية. السلام عليك ايتها الصادقة الرشيدة، السلام
عليك ايتها الفاضلة الزكية، السلام عليك ايتها الحوراء الانسية، السلام عليك ايتها التقية النقية، السلام
عليك ايتها المحدثة العليمة، السلام عليك ايتها المعصومة المظلومة. السلام عليك ايتها الطاهرة المطهرة،
السلام عليك ايتها المضطهدة المظلومة المغصوبة، السلام عليك ايتها الغراء الزهراء، السلام عليك يا
فاطمة بنت محمد رسول الله ورحمة الله وبركاته. صلى الله عليك يا مولاتي وابنة مولاي وعلى
روحك وبدنك. اشهد انك مضيت على بينة من ربك، وان من شرك فقد سر رسول الله، ومن
جفاك فقد جفا رسول الله صلى الله عليه وآله، ومن آذاك فقد آذى رسول الله، ومن وصلك فقد
وصل رسول الله، ومن قطعك فقد قطع رسول الله، لانك بضعة منه وروحه التي في بدنه وبين جنبيه،
كما قال عليه افضل الصلاة واكمل السلام. اشهد الله وملائكته اني راض عمن رضيت عنه وساخط
على من سخطت عليه، ولي لمن والاك، عدو لمن عاداك وحرب لمن حاربك، انا يا مولاتي بك وبأبيك
وبعلك والائمة من ولدك موقن؛ وبولايتهم مؤمن وبطاعتهم ملتزم، اشهد ان الدين دينهم، والحكم
حكمهم، وانهم قد بلغوا عن الله عز وجل ودعوا الى سبيل الله بالحكمة والموعظة الحسنة، لا تأخذهم

في الله لومة لائم، وصلوات الله عليك وعلى ابيك وابنيك وبعلك وذريتك الائمة الطاهرين (x ذريتك والائمة الطاهرين من ذراريك). اللهم صل على محمد واهل بيته، وصل على البتول الطاهرة، الصديقة المعصومة، التقية النقية، الرضية المرضية، الزكية الرشيدة، المظلومة المقهورة، المغصوبة حقها، الممنوعة ارثها، المكسور ضلعها، المظلوم بعلها، المقتول ولدها، فاطمة بنت رسول الله، وبضعة لحمه وصميم قلبه، وفلذة كبده، والنخبة منك له، والتحفة خصصت بها وصيه، وحبيبة المصطفى وقرينة المرتضى، وسيدة النساء ومبشرة الاولياء، حليفة الورع والزهد، وتفاحة الفردوس والخلد، التي شرفت مولدها بنساء الجنة، وسللت منها انوار الائمة، وارخيت دونها حجاب النبوة. اللهم صل عليها صلاة تزيد في محلها عندك وشرفها لديك ومنزلتها من رضاك، وبلغها منا تحية وسلاما، وآتانا من لدنك في حبها فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا، إنك ذو الفضل (x ذو العفو) الكريم.

نماز زیارت

بعد از آن نماز زیارت را بجای آورد، و اگر بتواند که نماز حضرت زهرا به عنوان نماز زیارت بجای آورد بهتر است، و نماز حضرت زهرا دو رکعت است؛ که در هر رکعت سوره حمد یکبار مره و سوره قل هو الله احد؛ را شصت بار. و اگر در وضعیتی هستی که نمی توانی این نماز را بجای آوری بس دو رکعت نماز زیارت بجای آور؛ در رکعت اول سوره حمد و توحید؛ و در رکعت دوم سوره حمد و قل یا ایها الکافرون).

دعای بعد از نماز زیارت

وقتی سلام نماز دادی این جنین بگو:

اللهم انی أتوجه إلیک بنبینا محمد وباهل بیته صلواتک علیهم، وأسألك بحقک العظیم علیهم، الذی لا یعلم کتمه سواک، وأسألك بحق من حقه عندک عظیم، وبأسمائک الحسنی التي امرتني ان ادعوک بها . وأسألك باسمک الاعظم الذی امرت به ابراهیم ان یدعوبه الطیر فأجابته، باسمک العظیم الذی قلت للنار: (کونی بردا وسلاما علی ابراهیم) فكانت بردا، وبأحب الاسماء إلیک واشرفها واعظمها لديك، واسرعها اجابة وانجحها طلبه، وما انت اهلہ ومستحقه ومستوجبہ، واتوسل إلیک وارغب إلیک وأتضرع إلیک والحق علیک . وأسألك بکتابک التي انزلتها علی انبیائک ورسلك صلواتک علیهم، من التوراة

والانجيل والزبور والقرآن العظيم، فان فيها اسمك الاعظم، وبما فيها من اسمائك العظمى، ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تفرج عن محمد وآل محمد وشيعتهم ومحبيهم وعني، وتفتح ابواب السماء
لدعائي وترفعه في عليين، وتأذن في هذا اليوم وفي هذه الساعة بفرجي واعطاء املي وسؤلي في الدنيا
والآخرة. يا من لا يعلم احد كيف هو وقدرته الا هو، يا من سد الهواء بالسماء، وكبس الارض على
الماء، واختار لنفسه احسن الاسماء، يا من سمى نفسه بالاسم الذي يقضى به حاجة من يدعوه.
اسألك بحق ذلك الاسم فلا شفيع اقوى لي منه، ان تصلي على محمد وآل محمد وتقضي لي حوائجي
وتسمع بمحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين، وعلي بن الحسين، ومحمد بن علي، وجعفر بن محمد،
وموسى بن جعفر، وعلي بن موسى، ومحمد بن علي وعلي بن محمد، والحسن بن علي والحجة المنتظر
لإذنك، صلواتك وسلامك ورحمتك وبركاتك عليهم، صوتي، ليشفعوا لي اليك وتشفعهم في، ولا تردني
خائباً، بحق لا اله الا انت.

بعد از اين حوائجت را درخواست مي كني؛ كه باذن الله تعالى برآورده مي شود؛ ان شاء الله تعالى.



لباس فاطمة عليها السلام

یا مولاتی یا فاطمة الزهراء اغیثینی

بیت معمور ولایت را اجل ویرانه کرد = آنچه را با خانه صد چندان بصاحبخانه کرد
شمع روی روشن زهرا چه آنشب شد خموش = ره ره ساز و نغمه ماتم در آن کاشانه کرد
آه جانسوز یتیمان اندر آن ماتم سرا = کرد آشوبی که عقل محض را دیوانه کرد
داغ بانو کرد عمری با دل آن شهریار = آنچه شمع انجمن یکباره با پروانه کرد
شاه با آن پر دلی از دو گیتی بر گرفت = خانه را کانشب تپه زان گوهر یکدانه کرد
بارها کردی تمنای فراق جسم و جان = چونکه یاد از روزگار وصل آن جانانه کرد
سر بزانوی غم و با غصه بانو قرین = عزلت از هر آشنائی بود و هر بیگانه کرد
شاهد هستی چه از پیمانه غم نیست شد = باده نوشان را خراب از جلوه مستانه کرد
ساقی بزم حقیقت گوئیا از خم غم = هر چه در خمخانه بودی اندر آن پیمانه کرد
مفتقر را شوری از اندیشه بیرون در سر است = هر دم او را از غم بانو نوائی دیگر است
آیت الله عظیم شیخ محمد حسین اصفهانی

کی سودا تا انتقام سیلی زهرا علیه السلام بگیرم

عشق یعنی صبر در هنگام خشم
عشق یعنی جای سیلی روی چشم
عشق یعنی قلب چون آئینه ای
جای میخ در نه روی سینه ای
عشق یعنی انتظار منتظر
سینه ای مجروح از شمار در
عشق یعنی گریه های خیدری
دختری دنبال نعلن مادری
عشق یعنی طاعت جان آفرین
رَد خون سینه بر روی زمین

رَد خون سینه بر روی زمین

رَد خون سینه بر روی زمین

رَد خون سینه بر روی زمین

والحمد لله رب العالمین